

## پیش‌خوان

## «جبهه ملی ایران» در آیینه یک پژوهش نوانتشار! آغاز و انجام یک حزب!

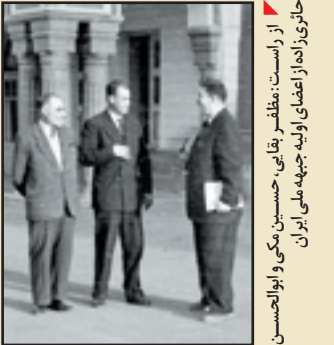
■ **شاهد توحیدی**



جبهه ملی ایران در زمره تشکل‌هایی است که در بستر نهضت ملی شدن نفت شکل گرفت. بازخوانی تاریخچه این گروه، به واقع مرور تاریخچه این نهضت و علل شکست آن است. در سالیان اخیر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی با انتشار

اثری، به بازخوانی پیشینه این حزب دست زده است. ناشر در دیباچه اثر آورده است:

«برهه‌های مختلف تاریخ ایران شاهد ظهور گروه‌های سیاسی متعدد بوده‌است که در فرایند تحولات نقش مهمی داشته‌اند. همزمان با جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران، جبهه ملی به عنوان یکی از تشکل‌های فراگیر به مدد حمایت نیروهای مذهبی توانست نقش ویژه‌ای در تحولات سیاسی آن زمان ایفا کند، اما با آغاز نهضت شگفت‌انگیز امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد مداری سیاسی با سران رژیم دیکتاتور پهلوی جای خود را به مبارزه غیرمسالمات‌آمیز و براندازانه داد. در چنین اوضاع و احوالی مجالی برای خوندمای جبهه‌های ملی چندگانه وجود نداشت. رهبران و اعضای محافظه‌کار جبهه ملی صرفاً در صدد حفظ و ایجاد توازن برای خود در فضای سیاسی کشور بودند و عملاً تأثیری در تحولات نداشتند. با رشد فرزاینده انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ جاری‌های جز تعامل با امواج انقلابی برای رهبران جبهه ملی باقی نمانده بود. پس از پیروزی انقلاب و اعطای قدرت سیاسی به بازگران در پست اولین نخست‌وزیر انقلاب اسلامی، جمعی از اعضای جبهه ملی نیز در کابینه حضور یافتند. به مرور زمان هم جبهه ملی و هم لیبرال‌های نهضت آزادی منوجه شدند که قادر به پاسخگویی به نسل انقلابی نیستند، در نتیجه از صحنه سیاست کناره‌گیری کردند. اما جبهه ملی به جای درک درست از شرایط سیاسی کشور و هماهنگی با انقلاب اسلامی راه مخالفت را در پیش



از راست:مفتخر تقایی،حسین‌محمدی و ابوالحسن خالریزانه از اعضای اولیه جبهه ملی ایران

گرفت و به یکی از گروه‌های جبهه متحد ضدانقلاب در سال ۱۳۶۰ تبدیل شد و در نهایت با روایتی سرب‌گونه به مخالفت با لایحه قرآنی‌کضای برخاست که از سوی رهبر فرزانه انقلاب حضرت امام خمینی (ره) یک گروه مرتد خوانده شد و رو به اضمحلال رفت.

در پایان ضمن تشکر از آقای سعید صدیقی پور مؤلف محترم این کتاب، از زحمات آقایان دکتر اشرفی میهن‌سرمز، معاون پژوهشی، علی کردی مدیر محترم بخش تحقیق و ابوالفضل صدیقی و محمدرضا طاهری مقدم مدیر و کارشناس محترم گروه تاریخ و روابط خارجی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۶۰ می‌باشد، اما انتشارات قدردانی می‌شود.»

سعید صدیقی فر مؤلف اثر نیز در مقدمه خود بر کتابش، در توصیف موضوع و نحوه پرداختن بدان چنین نگاشته‌است: «ملی‌گرایی و علاقه‌مندی به میهن و سرزمین، از آغاز تاریخ مورد توجه انسان بوده‌است، اما در دوره معاصر این امر به صورت یک ایدئولوژی درآمده و گاهی به صورت افراطی مورد توجه متفکران و اندیشمندان قرار گرفته‌است. این اثر بر آن است تا علل شکل‌گیری جبهه ملی در ایران را بررسی کند و به رابطه این جبهه با رهبران مذهبی و توده مردم بپردازد. گرچه محدوده زمانی این پژوهش از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۶۰ می‌باشد، اما ملی‌گرایی در ایران در دوران گذشته و فعالیت جبهه ملی پس از سال ۱۳۶۰ نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. در بخش اول ابتدا مفاهیم اصلی از قبیل تعریف ملی‌گرایی، تاریخ ملی‌گرایی، اسلام و ملی‌گرایی و ملی‌گرایی در ایران و در ادامه تشکیل اولین جبهه ملی تا حوادث ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ برسی می‌شود. در بخش دوم به اقدامات جبهه ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد، نهضت مقاومت ملی، جبهه ملی دوم و جبهه ملی سوم پرداخته شده‌است. در بخش سوم جبهه ملی ایران از انقلاب اسلامی تا فروپاشی، تحت عنوان نحوه تشکیل جبهه ملی چهارم، جبهه ملی و دولت موقت و علل ناکارآمدی جبهه ملی بررسی شده‌است. در پایان نیز مواضع و دیدگاه‌های جبهه ملی ایران و مباحث مهمی چون جبهه ملی و سکولاریسم، لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد، انقلاب اسلامی و ملی‌گرایی از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد توجه قرار گرفته‌است.»



مروری بر ترکیب سیاسی و کارنامه نمایندگان مجلس پنجم

# اقلیتی که سر سفره استبداد نشستند

■ **محمدرضا کاتینی**

پنجمین مجلسی که پس از تأسیس مشروطیت ایران ایجاد شد، محصل رویدادهایی مهم به شمار می‌رفت که چالش با رضاخان در زمره عمده ترین آنها بود. مقالی که پیش‌روی شماست، ترکیب سیاسی و کارنامه نمایندگان این مجلس را باز خوانده‌است. ■■■

ترکیب‌بندی‌های سیاسی و فراکسیون‌های داخلی مجلس پنجم شورایی ملی در واکنش به رویدادهای بزرگی که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تغییر نظام سیاسی و سرنوشت کشور داشتند، دائماً در گروگی می‌شد و در مجموع ترکیب ثابت و منسجمی وجود نداشت، با این همه پشتیبانی از رضاخان و اهداف او محور و اساس دسته‌بندی‌های سیاسی درون مجلس بود. هر چند با وجود آنکه اکثر نمایندگان مجلس هوادار رضاخان بودند، اما جناح‌بندی‌های سیاسی در این دوره کاملاً سیال بود.

■ **نظری بر شاخص‌ترین فراکسیون‌های مجلس پنجم**

ترکیب سیاسی مجلس پنجم عبارت بودند از: فراکسیون سوسیالیست‌ها به رهبری سلیمان میرزا اسکندری و محمدصادق طباطبایی با بیش از ۱۵ عضو و فراکسیون تجدد به رهبری سعیدمحمد تدین با بیش از ۴۰ کرسی که اکثریت مجلس را تشکیل می‌دادند. این دو جناح هوادار سرسخت و جدی رضاخان بودند و در هواداری از او چنان شور و حرارتی از خود نشان می‌دادند که به قول مستوفی در جنبش جمهوری خواهی از خود رضاخان هم جلو زدند و با شکست این تز در اطاعت از رضاخان گوی سخاست که از همگان ربودند و بدون میل و اراده رضاخان نفس هم نمی‌کشیدند. این دو گروه به‌انگهی پشتیبانی اقتصادی و تجار و حمایت‌های سیاسی دولت‌نهایت تلاش خود را کردند به اقدامات رضاخان وجهه قانونی ببخشند. گروه سوم اقلیت مجلس بودند که هر چند از نظر فعالیت‌ها و اقدامات رضاخان با حداکثر نخست‌وزیری می‌پذیرفتند و او را شایسته پادشاهی نمی‌دانستند. آنان از غیبت دائمی احمدشاه بسیار نگران و امیدوار بودند او باز گردد و رضاخان در چارچوب قانون اساسی و احترام به مشروطیت به فعالیت خود ادامه دهد. شایان ذکر است اکثریت نمایندگان مجلس در واقع گزینشی بودند و لذا اعتقادی به اصول و مبانی قانون اساسی نداشتند و تنها اعتقاد به ارتقای سریع رضاخان تنها محور اتحاد آنان محسوب می‌شد. با این همه به دلیل نوسانات فضای سیاسی و طرح دائمی آنها در مجلس جریانات و فراکسیون‌های سیاسی مجلس هم دچار تغییرات مستمر بودند و از درون آنها گروه‌های جدیدی چون جنبش جمهوری خواهی که تأثیر زیادی بر فراکسیون‌های سیاسی داشت ظهور می‌کردند. ■ **ترکیب نوین مجلس پنجم در پی غائله جمهوری خواهی رضاخانی**

پس از شکست جنبش جمهوری خواهی، اقلیت،

# تاریخ

کدوگو۸۸۴۹۸۴۲۷



شهید آیت‌الله سعید مدرس در کنار اقلیت مجلس پنجم شورایی ملی

مدرس در برابر جمهوری خواهان قد برافراشتند. به این ترتیب جناح اقلیت توانست حضور قدرتمندانه خود را با حذف یا طرد بخشی از عناصر ناخالص و نمایندگان متقلب به نمایش بگذارد و این سیاست را تا در هم شکستن ترکیب اکثریت ادامه دهد و بر سر راه پیشبرد اهداف آنان موانع جدی ایجاد کند. شهید مدرس هم‌راه ملیسون و منفردین مجلس، از جمله حائزى زاده، زعیم کاشانی، میرزا علی‌کازرونی، میرزا هاشم آشتیانی... تلاش کردند با ایراد نطق‌های طولانی و تغییر دادن جو سیاسی حاکم به‌شدت با تصویب اعتبارنامه‌های کسانى که با روش‌های نادرست و شیوه‌های مشکوک به مجلس راه یافته بودند مخالفت کنند و بالاخره از رسیدن مجلس به حد نصاب برای تصویب جمهوری در سال ۱۳۰۳ جلوگیری کنند. مدرس و نمایندگان هوادار او با شهادتی مثال زدنی از تصویب نمایندگان فرمایشی رضاخان - حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، معتمدالسلطنه، بنیان‌السلطان شیروانی، نوری‌زاده، عبدالحسین رهنما، وحیدالدوله، دبیر اعظم بهرامی، قائم‌مقام و شیخ‌الرئیس افسر - مخالفت کردند و برای اخذ رأی در باره اعتبارنامه‌های ناصر سیف، علی‌دشتی و احمد نراقی در خواست اخذ رأی مخفی کردند. ■ **مدرس و تلاش برای عدم تصویب اعتبارنامه حامیان رضاخان**

مدرس و اقلیت همراه او صراحتاً اعلام کردند مخالفت آنها با این افراد به هیچ‌وجه جنبه شخصی و سلیقه‌ای ندارد و آنان قطعاً واجد شایستگی‌های برجسته‌ای هستند، اما بر اساس قوانین و ترتیبات مقرر در امر انتخابات انتخاب نشده‌اند و به این دلیل با نمایندگی آنها مخالفت می‌شود. مدرس صراحتاً اعلام کرد بنده هیچ صحبتی در باره اخلاقی، اوصاف و افعال آقایان ندارم. بحث سر نحوه انتخاب آنهاست که با فشار و روش‌های غیر ملی انجام شده و لذا تکیه آنان بر کرسی‌های مجلس به منزله غصب است. سرانجام مدرس با افزایش نقش نظامیان و شخص سر دار سپه در انتخابات اعتبارنامه تمام کسانى را که خارج از اراده ملت به مجلس راه پیدا کرد بودند یکسره بی‌اعتبار کرد. نمایندگان جناح اکثریت هم در برابر اتهامات گسترده اقلیت از آنها اسناد و مدارک قابل استناد می‌خواستند و در نتیجه مباحثات طولانی و خشنی که گاهی به خورد پی‌تکی می‌انجامید در صحن مجلس صورت می‌گرفت که در مطبوعات آن زمان بازتاب گسترده‌ای داشت. در مجموع جلسات مجلس در اسفند سال ۱۳۰۲ با دعواها و کشمکش‌های فراوان برگزار می‌شدند. مدرس و جناح اقلیت کاملاً بر این نکته واقف بودند که تنها راه پیشگیری از اقدامات اکثریت استفاده از ترفندهای پارلمانی و جلوگیری از تصویب زودهنگام اعتبارنامه‌هاست. به همین دلیل نمایندگان اقلیت بخش اعظم وقت مجلس را صرف رسیدگی به اعتبارنامه‌ها کردند تا به این شکل در صفوف متحد جناح اکثریت شگاف ایجاد کنند. این شیوه بسیار مؤثر بود و جناح اقلیت توانست در محافل بیرون از مجلس رخنه و اعتبار زیادی پیدا کند. این ترفند پارلمانی با اخذ رأی مخفی که وقت زیادی را از مجلس گرفت همراه با خردگیری‌های مستمر سیدمحمد تدین عملاً فضای پیش‌بینی شده سردمداران جمهوری خواهی را از آنها گرفت. بالاخره در جلسه علنی روز ۲۵ اسفند سال ۱۳۰۲ رسیدگی به اعتبارنامه‌های طرفداران رضاخان تمام و قرار شد در ۲۷ اسفند رسیدگی که مدرس نمایندگان مخالفان شروع شود. با توجه به اینکه جناح اقلیت توانسته بود اعتبارنامه چند نفر از نمایندگان فرمایشی رضاخان را رد کند و نمایندگی آنان را به حالت تعلیق در آورد و به این دلیل اکثریت و جاهت ملی فراوانی را کسب کند، جناح اکثریت برای بی‌اعتبار کردن اعتبارنامه‌های جناح اقلیت و رد صلاحیت آنها لحظه‌شماری می‌کرد. بدیهی است رضاخان با توجه به نفوذ آرتیاده و امکانات وسیعش می‌توانست نمایندگان رد صلاحیت شده را به مجلس برگرداند که با روحیه خشن نظامی‌گرایی او هم تناسب داشت، اما هنوز تا رسیدن به قدرتی پلانمغ که طبعیتاً مستغیر مجلس یکی از مهم‌ترین لوازم آن بود فاصله داشت و به همین دلیل بیشتر روی روند بی‌اعتبار کردن اعتبارنامه‌های مخالفانش حساب می‌کرد. ■ **منتهی شدن چالش اعتبارنامه به سیلی زدن به مدرس!**

بالاخره روز ۲۷ اسفند فرارسید و مخالفت برخی اعضای اکثریت با اعتبارنامه افراد سرشناسی چون میرزا هاشم آشتیانی، فرزند آیت‌الله آشتیانی و بزرگ از رهبران سیاسی مذهبی دوره قاجار کار مذاکرات را به رویارویی لفظی دو جناح اکثریت و در مخالفت با تدین اعلام کرد تدین می‌خواهد جنگ بیرون از مجلس یا همان جمهوری خواهی را به داخل مجلس بکشاند و تمام این تلاش‌ها و سینه چاک کردن‌ها در همین راستاست. در پی بالا گرفتن بحث مدرس و تدین، تدین به نشانه اعتراض مجلس را ترک کرد و به مدرس گفت به‌زودی نوبت به خود تو هم خواهد رسید. نمایندگان فراکسیون تجدد نیز به اشاره تدین از مجلس خارج شدند و در نتیجه مجلس از اکثریت افتاد. مؤتمن‌الملک رئیس مجلس اعلام تنفس کرد، اما مدرس بقیه نطق خود را در اتاق تنفس ایراد و به سردار سپه حمله کرد. احیاءالسلطنه انجام همه بررسی را با منتها درجه سرعت لازم می‌شمارد.۹. در این ترتیب ابواب جمعی رضاخان با تمام تلاش و فشار خویش از دست یافتن به هدف خود بازماندند.



سعید محمد تدین و همکاران او برای شور در تغییر سلطنت در تکه‌سوروات علامه‌آباد

آنها گروه‌های جدیدی ظهور می‌کردند